



واکاوی چالش‌های اداری حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و راهکارهای اصلاح آن

محسن عسگری*

حسین حبیبی تبار**

محمود قیومزاده***

چکیده

برخورداری از تکنولوژی تولیدات دانش‌بنیان، حسب نوع صنعت می‌تواند قدرت زیادی به دولت‌ها ببخشد. بنابراین، حمایت از این شرکت‌ها ضرورت دارد. قانون‌گذار نیز دولت را به حمایت از این شرکت‌ها ملزم کرده، ولی به سبب ناهماهنگی اداری و نبود برخی زیرساخت‌ها، این حمایت‌ها، بازدهی مورد انتظار را نداشته است. در این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی، چالش‌های اداری حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان بررسی و نتیجه گرفته شد که متولی امتیازبندی شرکت‌ها، چندان تخصصی نیست. این مرجع، تنها مالکیت شرکت شتاب‌دهنده را معیاری برای امتیاز پژوهشی می‌داند که این امر موجب تنها حضور و بهره‌مندی از مزایای شرکت‌های دانش‌بنیان توسط شرکت‌های مادر می‌شود و بازدهی مورد انتظار را ندارند. از طرف دیگر، برخی امتیازات در نظر گرفته شده برای شرکت‌های دانش‌بنیان در عمل با مقررات اداری نهادی دیگر بی‌اثر گردیده است. سازمان امور مالیاتی با تقسیم‌بندی ناصحیح مشاغل، امکان بهره‌مندی شرکت‌های دانش‌بنیان را از مزایای معافیت مالیاتی گرفته و گمرک جمهوری اسلامی ایران نیز با وضع آیین‌نامه حمایت از ملوانان، امکان ورود کالای مشابه محصولات دانش‌بنیان به کشور را فراهم کرده است. در سکوت قانون، مالکیت معنوی قابلیت رهن‌گذاری ندارد و نیاز است که از نظر اداری، چنین امتیازی برای مالکیت معنوی منظور شود که نوعی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان محسوب می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شرکت‌های دانش‌بنیان، مالکیت معنوی، مراکز رشد، شتاب‌دهنده، چالش‌های اداری.

*. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

**دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

yoonatans@gmail.com

***استاد، گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

maarefteacher@yahoo.com

قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات، مصوب ۱۳۸۹	ق.ح.ش
آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات، مصوب ۱۳۹۱	آ.ا.ق
قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸	ق.ح
آیین‌نامه تأسیس و راه‌اندازی پارک‌های علم و فناوری، مصوب ۱۳۹۵	آ.پ
قانون اجرای احکام، مصوب ۱۳۵۶	ق.ا.ح

«فهرست علایم و اختصارات»

مقدمه

محصولات/ خدمات جدید علاوه بر ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی می‌توانند قدرت خاصی به هر کشور اعطا کنند که از انحصار خاص آن ناشی می‌شود. بسیاری از مخترعان و مبتکران طرح‌های بدیع، سواد دانشگاهی چندانی ندارند، اما تولید محصول/ خدمات نوآورانه دارای بنیان علمی است. در حال حاضر، ابرقدرت‌ها، انحصار در برخی تکنولوژی‌ها را به ابزار فشار برای تحمیل خواسته‌های خود بر دیگر کشورها بدل کرده‌اند که بیانگر اهمیت تولیدات بر پایه علم است. بنابراین، دولت‌ها در سراسر جهان، سیاست حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان را در پیش گرفته‌اند تا با توسعه تولیدات/ خدمات مهم زمینه رونق اقتصادی کشور خود را فراهم کنند.

در ایران، قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، تا حدّی دیرتر از انتظار و در سال ۱۳۸۹ به تصویب رسید. این شرکت‌ها به موجب ماده یکم همین قانون چنین تعریف شدند: «شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان به ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود.»

با وجود وضع قانونی که دولت را به حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان ملزم می‌کند

«ق.ج.ش» و «آ.ا.ق»)، این حمایت‌ها، انتظارات مبتکران را برآورده نساخته و سالانه، مهاجرت بسیاری از خبرگان به خارج از کشور گزارش شده است.^۱ اگر در وضعیت قانون‌گذاری صحیح، اثر مطلوب آن محقق نشود، چند حالت متصور است. نخست این‌که قانون‌گذاری ایراد دارد. دوم این‌که ناهماهنگی‌های اداری موجب خنثی شدن اثر حمایتی می‌شود. سوم این‌که به دلیل نبود زیرساخت‌ها، امکان اجرای قانون مهیا نیست. در این پژوهش، احتمال دوم که ناهماهنگی اداری باشد، بررسی شده است.

قاضی نوری و همکاران (۱۳۹۵)، رفتار و عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی را با رویکرد تکنوسومی بررسی کردند. اشراقی و همکاران (۱۴۰۰)، اثر سیاست‌های حمایتی را بر گذار شرکت‌های دانش‌بنیان به مرحله رشد کاویدند. علوی (۲۰۱۸)، بی‌اعتمادی به شرکت‌های دانش‌بنیان را علت ناکامی سیاست‌های دولتی در این خصوص دانسته است. دون و همکاران (۲۰۱۸)، سیاسی شدن حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان را علت ناکامی توسعه دانستند. این پژوهشگران، مشکلات تقنینی و اجرایی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان را بررسی کرده‌اند. در این میان، بررسی مشکلات اداری در این حوزه بی‌پیشینه است و این پژوهش برای نخستین بار به آن توجه کرده است.

در ایران به ویژه پس از تحریم‌های اعمالی در دهه ۹۰ خورشیدی، توجه به توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان روزبه‌روز بیش‌تر شد و دولت برای اجرای مفاد «ق.ج.ش»، آیین‌نامه‌های مرتبط را در سال ۱۳۹۱ تصویب کرد. هدف این پژوهش آن است که از دیدگاه حقوق اداری، چالش‌های ناکامی سیاست‌های حمایتی از شرکت‌های دانش‌بنیان بررسی و راهکارهای اصلاحی برای آن پیشنهاد شود.

گفتار اول. حمایت از آثار بدیع

در خصوص حمایت از خلق آثار بدیع، نظرهای مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که دولت باید از هر طرح نوآورانه‌ای حمایت کند.^۲ در مقابل، برخی دیگر با این استدلال که هر طرح بدیع قابلیت تجاری‌سازی ندارد، دولت را تنها ملزم به حمایت از طرح‌های مفید می‌دانند.^۳

۱. اشراقی، علی‌رضا، سید ایمان میرعمادی و محمد وصال، «ارزیابی اثر سیاست‌های حمایتی بر گذار شرکت‌های

دانش‌بنیان به مرحله رشد»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره چهاردهم، ۱۴۰۰، ص ۴۴.

2-Esmaili Yadaki, M., "A Comparative Analysis of the Exception of Educational Use in Literacy and Artistic Property Rights", Journal of Civil Law Knowledge, 2017, 6(1), p. 21 .

3-Guaragna, M. B., Stimulating Innovation in Brazil: A Study of Intellectual Property Law, Biotechnology and Open Scientific Innovation (Doctoral dissertation, Queen Mary University of London), 2017, p 25 .

عقیده دوم، طرفداران بیش‌تری دارد؛ چون تنها درصد اندکی از طرح‌های بدیع به سوددهی تجاری می‌رسند.^۱

مصادیق طرح‌های بدیع می‌تواند شامل نشر کتاب، ترجمه، اختراع صنعتی، نشان تجاری و طرح‌های بدیع کسب و کار باشد که مالکیت آن‌ها با نام «مالکیت معنوی» خوانده می‌شود. ایران که تقریباً نظریه دوم را پذیرفته است، قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را در سال ۱۳۴۸ تصویب کرد و برای هر طرح بدیع، مدت حمایت مشخصی در نظر گرفت. بازدهی مناسب مالی، در طول دوران حمایت متصور است. بنابراین، مزد خلق آثار بدیع برای خالق آن چنین است که در طول مدت مشخص، بازدهی بالای مالی به واسطه انحصار در مدت یادشده ایجاد شود.

شرکت‌هایی که با هدف به ثمر رساندن چنین طرح‌هایی تأسیس می‌شوند، شرکت دانش‌بنیان نام می‌گیرند و از نظر حقوقی از حمایت دولت بهره‌مند خواهند شد.^۲ از نظر اجرایی، پارک علم و فناوری در هر استان تأسیس شده که متولی حمایت از طرح‌های مبتکرانه است. در قوانین موضوعه به «پارک علم و فناوری»، هیچ اشاره‌ای نشده است. بنابراین، جریان تأسیس و فعالیت آن جنبه اجرایی دارد و وضع مقررات اداری در رویه این نهاد نقشی مهم دارد. در خصوص نحوه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، نظرهای مختلفی مطرح است که به آن‌ها می‌پردازیم.

بند اول. شراکت ریسک‌پذیر

پیش‌بینی آینده مالی طرح‌های مبتکرانه سخت است و طرح‌های توجیهی تنها حدس و گمان‌هایی در این خصوص محسوب می‌شوند. سرمایه‌گذاران معمولاً به حضور در فعالیت‌های با ریسک اندک تمایل دارند که آمار خرید سهام بورسی در جهان، آن را تأیید می‌کند.^۳ برای مثال، سهم شرکت خودروسازی در ایران، به دلیل انحصاری بودن بازار و پیش‌بینی میزان سود آن، همواره جزء پرفروش‌ترین سهام‌هاست، در حالی که سهام شرکت‌های نوپا جزء ارزان‌ترین سهام‌هاست.

۱. رحیمی، علی و حسین شبیری، «مبانی فقهی و حقوقی مالکیت فکری یا معنوی»، فصل‌نامه پژوهش‌های فقهی و حقوقی، دوره چهارم، ۱۳۹۷، ص ۲۱۵.

۲. صادقی، حدیثه و مهسا اکبری، «مزایا و معایب پیوستن ایران به کنوانسیون برن»، ارائه شده در همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی، مراغه، ۱۳۹۳، ص ۱۲.

3-Esmaeeli Ranjbar, Khatereh and Soleimani, Ameneh, "Presenting a Model for the use of Internet of Things in the based Companies", Journal of Information Technology Management, 2021, P. 25 - Iranian Knowledge

بنابراین، سرمایه‌گذارانی ممکن است در شرکت‌های دانش‌بنیان سرمایه‌گذاری کنند و در آینده مالی آن سهیم شوند. قانون‌گذار در خصوص این نوع حمایت، در «ق.ح.ش» که جزء معدود منابع حقوقی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان است، چیزی ذکر نکرده است. بنابراین، حسب اصل آزادی اراده‌ها، سرمایه‌گذاران این حوزه تحت عنوان شرکت‌های شتاب‌دهنده^۱ در این فعالیت‌ها حضور دارند. در ایران، بیش‌تر شتاب‌دهنده‌ها، دولتی هستند و برای نخستین بار، شتاب‌دهنده تیک به عنوان تنها شرکت شتاب‌دهنده با مالکیت خصوصی در غرب کشور تأسیس شده است.

چون قانون موضوعه در خصوص شرکت‌های شتاب‌دهنده وجود ندارد، ماهیت این شرکت‌ها در مرحله نخست توسط مقررات اداری پارک علم و فناوری به عنوان متولی این شرکت‌ها و سپس بر پایه اساس‌نامه خود این شرکت‌ها تعیین می‌شود. چون استانداردسازی اساس‌نامه این شرکت‌ها هنوز انجام نشده، بر حسب اصل آزادی اراده‌ها، مقررات اداری متنوعی برای این شرکت‌ها متصور است. البته شرکت‌های دولتی شتاب‌دهنده، وضعیت اداری منسجم‌تری دارند. در حال حاضر، شرکت‌های شتاب‌دهنده دولتی و خصوصی تحت نظارت پارک علم و فناوری، طرح‌های مبتکرانه را بررسی می‌کنند و در صورت جلب نظر مدیرعامل، ضمن تأسیس شرکت دانش‌بنیان، در مالکیت آن سهیم می‌شوند.^۲

با توجه به انتقادهای واردشده به ماهیت شرکت‌های دولتی (بازدهی اندک و حتی منفی، مدیریت ناکارآمد، اختلاس و فساد، نبود انگیزه برای پیشرفت و نظیر آن)، در این حوزه نیز اعتراض‌های فراوانی به عملکرد شتاب‌دهنده‌های دولتی وجود دارد. در همین راستا، شرکت شتاب‌دهنده خصوصی با عملکردی بهتر تأسیس شده است که البته چالش‌های اداری فراوانی پیش رو دارد. شتاب‌دهنده‌های خصوصی با توجه به آثار مثبتی که برای برخی شرکت‌ها از نظر کسب امتیاز پژوهشی دارد، تنها با انگیزه ارتقای شرکت مادر تأسیس می‌شوند و حمایت از طرح‌های دانش‌بنیان را در اولویت برنامه‌های خود جای نمی‌دهند. بنابراین، وضع قوانین مرتبط با شتاب‌دهنده‌های خصوصی با چالش اداری روبه‌روست.^۳

به هر حال، ماهیت حقوقی این شرکت‌ها در مرحله نخست بر اساس مقررات اداری پارک علم و فناوری به عنوان نهاد نظارتی و سپس بر پایه اساس‌نامه غیر استاندارد خودشان شکل گرفته است. از این رو، پارک علم و فناوری باید به استانداردسازی (یکسان‌سازی) اساس‌نامه این شرکت‌ها دست بزند.

1-Start Up.

۲. رنجبر، احمد، «سیاست و اداره: تمایز و هم‌پوشی»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، ۱۴۰۰، ص ۱۵۰.

۳. همان، ص ۱۵۲.

بند دوم. تأمین مالی

جنبه دیگر از حمایت شرکت‌های دانش‌بنیان، بدون شراکت ریسک‌پذیر است که با کمک‌های مالی به این شرکت‌ها انجام می‌شود. بر اساس عقیده نخست در خصوص کمک به شرکت‌های دانش‌بنیان باید امکانات مالی لازم برای هر طرح مبتکرانه فراهم شود و این سرمایه‌گذاری در نهایت به تولد طرحی پربازده ختم شود. این نوع تأمین مالی از نوع کمک مالی بلاعوض است و بر خلاف شتاب‌دهنده‌ها که در قالب شراکت فعالیت دارند، سرمایه‌ها به صورت غیر انتفاعی و در راستای اهداف دولتی برای این مهم هزینه می‌شود.^۱ تأمین مالی می‌تواند جنبه بلاعوض نداشته باشد و در قالب تسهیلات به فعالان این عرصه پرداخت شود. با توجه به ماهیت غیر انتفاعی این نوع هزینه‌ها، از نظر اداری، پارک علم و فناوری، مسئول مستقیم این امر مهم تعیین شده است که از منابع دولتی که در اختیار دارد، برای تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان بهره می‌برد.^۲

در «ق.ح.ش»، هیچ نامی از کمک‌های بلاعوض نیامده و عمدتاً از تسهیلات سخن به میان آمده است. در حقیقت، دولت، تمرکز خود را بر اعطای تسهیلات به شرکت‌های دانش‌بنیان قرار داده است و بنابراین، رویه اعطای کمک‌های مالی بلاعوض به درستی مشخص نیست.^۳ در مواد ۷ تا ۱۳ «آ.ا.ق»، به صورت جزئی به کمک بلاعوض اشاره شده است، اما چنین برداشتی می‌شود که اعطای این کمک‌ها به اطمینان کامل از بازدهی طرح‌ها بستگی دارد و در مسیر پرریسک ثمردهی این شرکت‌ها، کمک بلاعوضی صورت نمی‌گیرد و تنها اعطای تسهیلات در این دوران، قانونی محسوب می‌شود.

بند سوم. آخرین وضعیت

در سال‌های پس از ۱۳۹۷ که تحریم‌ها، ضربه‌ای شدید به اقتصاد کشور وارد ساخت، توجه به تولید داخلی بیش از پیش برجسته شد. نام‌گذاری سال‌های مختلف توسط مقام معظم رهبری نیز نشان‌دهنده توجه به شرکت‌های تولیدی بود. حمایت‌ها به صورت تقنینی، اجرایی و نیز در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان صورت گرفت و دولت از منابع مختلف برای

1-Shahin, Arash and Malekzadeh, Nasim, WOOD, Lincoln C., "Developing a decision making grid for selecting innovation strategies the case of knowledge based companies", Technology Analysis & Strategic Management, 2021, P. 8.

۲. رحیمی مقدم، سید حسین، علی‌اکبر گرجی ازندریانی و مرتضی نجابت‌خواه، «واکاوی و تحلیل تبعات بوروکراسی در نظام آزادسازی اقتصادی ایران»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، ۱۴۰۰، ص ۱۴۰.

۳. خیاطیان یزدی، محمدصادق، مهدی الیاسی و سید حبیب‌الله طباطباییان، «الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره دوم، ۱۳۹۵، ص ۵۵.

اعطای تسهیلات به این شرکت‌ها بهره برد. در آخرین اقدام حمایتی دولت، ضمن همکاری با قوه قضاییه، حق برخورداری از نمایندگان حقوقی غیر وکیل برای این شرکت‌ها در نظر گرفته شد. در این حالت، برای اجرای امور حقوقی، هزینه کم‌تری صرف می‌شود و شرکت‌های دانش‌بنیان توانایی تربیت وکیل تخصصی را دارند. به جز این موارد، برخی الزامات به صورت دستور به ارگان‌ها صادر شد که آن‌ها را به خرید کالا از شرکت‌های دانش‌بنیان ملزم کرد. البته نیاز است که این قبیل حمایت‌ها در چارچوب قاعده و قانون مشخص صورت گیرد. به هر حال، جنبه‌های حمایتی دولت از این شرکت‌ها در چند سال اخیر تقویت یافته است.

گفتار دوم. مشکلات اداری شتاب‌دهنده‌ها

با توجه به اطلاق نام «شرکت» بر شتاب‌دهنده‌ها و تأسیس آن‌ها به موجب قوانین ثبت شرکت، مالکان آن باید بر اساس منفعت مالی، فعالیت اقتصادی خود را انجام دهند. بنابراین، منافع شخصی در این فعالیت نقش مهمی دارد که ممکن است موجب بروز تعارض منافع شود. بخشی از مشکلات اداری در حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان به شتاب‌دهنده‌ها مربوط است که بررسی می‌شود.

بند اول. تلاش برای اعتبار شرکت

نخستین منبع حقوقی مربوط به تأسیس شرکت، قانون تجارت است که در سال ۱۳۱۱ تصویب شده و پس از گذشت نه دهه تقریباً بدون تغییر مانده است و قانونی به‌روز محسوب نمی‌شود. با تأسیس اداره شرکت‌ها، امور مربوط به تأسیس، انحلال و تغییر اساس‌نامه به این اداره سپرده شده که این مسئولیت در اساس‌نامه سازمان (اداره شرکت‌ها) مشهود است. از طرف دیگر، شخصیت حقوقی برای آغاز فعالیت خود، ملزم به کسب مجوز از متولیان خاص است.^۱ برای مثال، اگر شرکتی در زمینه صادرات زعفران فعالیت دارد، مجوز فعالیت لازم را باید از اتحادیه صادرکنندگان زعفران بگیرد.

از نظر اداری نیز متولی کسب و کارها باید معیار رتبه‌بندی آن‌ها را در نظر بگیرد که این رتبه‌بندی در مرحله نخست به سازمان فنی و عمران استناد دارد و سپس به سازمان برنامه و بودجه سپرده شده که نقش معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری در این باره پررنگ است. در ماده واحده آیین‌نامه تأسیس این معاونت، نظارت کیفی بر فعالیت شرکت‌های بزرگ آمده است. بنابراین، مسئله رتبه‌بندی عملاً به این نهاد سپرده شده است که در تنظیم کلیات آن نقشی مهم بر عهده دارد.^۲

۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۱۳۴.

۲. موسی‌زاده، رضا، حقوق اداری ۱ و ۲ (کلیات و ایران)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۵۴.

مطابق آیین‌نامه اجرایی صادرشده در خصوص رتبه‌بندی شرکت‌ها، برای حضور در فعالیت‌های مبتکرانه، امتیاز قابل توجهی تعیین شده و صرف داشتن واحد فعال در این حوزه به معنای کسب امتیاز است. بر اساس ماده هفتم آیین‌نامه رتبه‌بندی شرکت‌ها که معاونت یادشده تنظیم کرده است، امتیاز پژوهشی برای شرکت‌ها در صورت احراز این شرایط محقق می‌شود:^۱

۱. داشتن واحد فعال تحقیق و توسعه؛^۲

۲. مالکیت شرکت‌های دانش‌بنیان؛

۳. مالکیت شرکت‌های حامی توسعه علم.

در مورد نخست، شرکت‌ها تنها به صرف داشتن واحد تحقیق و توسعه، مستحق دریافت امتیاز پژوهشی هستند و کیفیت این فعالیت‌ها توسط هیچ معیاری اندازه‌گیری نمی‌شود. بنابراین، شرکت‌ها تنها با استخدام دو یا سه نفر در این بخش می‌توانند برخی فعالیت‌های ابتدایی تحقیقاتی را انجام دهند که همین میزان فعالیت برای کسب حداکثر امتیاز پژوهش کفایت می‌کند.

مالکیت شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌ها را واداشته است که با حضور در فعالیت‌های مبتکرانه از امتیاز پژوهشی بهره ببرند. بحث در این خصوص، خارج از موضوع پژوهش کنونی است؛ چون این نوع حضور تقریباً چالش محسوب نمی‌شود.

در مورد سوم، مالکیت شرکت‌های شتاب‌دهنده، جزئی از کسب حداکثر امتیازات محسوب شده است که در عمل، موجب تعارض منافع صاحبان شرکت با اهداف شتاب‌دهی می‌گردد. معمولاً شرکت‌ها، شرکت شتاب‌دهنده (با مالکیت شخصیت حقوقی) تأسیس می‌کنند و ضمن سخت‌گیری در خصوص میزان ریسک پروژه‌ها، در عمل، وارد هیچ فعالیت نوآورانه‌ای نمی‌شوند. در این وضعیت، شرکت مادر از مزایای تسهیلات شرکت‌های دانش‌بنیان بهره می‌برد و حداکثر امتیازات پژوهشی را کسب می‌کند. طبیعتاً تسهیلات دریافتی توسط شرکت‌های شتاب‌دهنده با مالکیت خصوصی، توسط شرکت مادر هزینه می‌شود که حیطه فعالیت غیر دانش‌بنیان دارد. با این چالش از وضع مقررات اجرایی و اداری ناشی شده و اصلاح آن نیز تنها به دست مسئولان سازمان‌های یادشده امکان‌پذیر است.

به نظر می‌رسد که نهاد متولی امتیازبندی شرکت‌ها باید همان متولیان کسب و کار باشند؛ چون به صورت تخصصی به این مهم رسیدگی خواهد کرد. پس سپردن امتیازبندی شرکت‌ها به معاونت ریاست جمهوری که در بخش کلان اجرایی فعالیت دارد، خطایی اداری محسوب می‌شود.

۱. طیبی ابوالحسنی، سید امیرحسین و زینب زین‌الدینی، شرکت‌های دانش‌بنیان، تهران: نورا، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۶۵.

در آیین‌نامه تنظیمی معاونت ریاست جمهوری، صرف مالکیت در شرکت‌های شتاب‌دهنده، معیار کسب امتیاز پژوهشی و بهره‌مندی از تسهیلاتی است که از منابع اختصاص یافته به شرکت‌های دانش‌بنیان استفاده می‌شود.^۱ صندوق نوآوری و شکوفایی، موضوع ماده (۵) «ق.ح.ش» که در مواد ۴، ۶، ۷، ۸ و ۹ «آ.ا.ق» از آن نام برده شده، صندوقی است که منابع مالی مرتبط با طرح‌های نوآورانه را شامل می‌شود. از محل این منبع به شرکت‌های شتاب‌دهنده، وام می‌دهند، ولی نظارتی بر محل خرج کردن آن وجود ندارد. بنابراین، از محل منابع مالی که برای توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در نظر گرفته شده است، شرکت‌های غیر دانش‌بنیان بهره می‌برند (مشکلات تقنینی فصل سوم «آ.ا.ق»).

برای رفع این چالش باید اولاً متولی خاص امتیازبندی شرکت‌ها به متولیان کسب و کار تخصصی تغییر یابد. ثانیاً به صرف مالکیت شرکت شتاب‌دهنده، امتیاز پژوهشی تعلق نگیرد و میزان شتاب‌دهی موفق، معیاری برای اعطای تسهیلات و امتیاز باشد. ثالثاً بر محل خرج کردن تسهیلات، نظارت بهتری اعمال شود. همه این موارد را می‌توان در آیین‌نامه اجرایی آورد.

بند دوم. نبود معیار مناسب برای تعیین میزان ریسک

به موجب بخش‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که در سال ۱۳۹۰ صادر شد، شتاب‌دهنده‌های دولتی تحت نظارت مراکز پارک علم و فناوری هستند و از نظر اداری باید تابع این نهاد باشند. حتی بودجه این شرکت‌ها را پارک علم و فناوری از محل صندوق مندرج در ماده پنجم «ق.ح.ش» برداشت می‌کند.^۲

دولتی بودن هر دو نهاد، زمینه را برای الزام تبعیت فراهم می‌کند و تنظیم این رابطه عمودی، حسب اختیارات دولتی، و جاهت قانونی دارد. با این حال، باید دانست که در پارک علم و فناوری، هیئت داوری چندنفره وجود دارد که در خصوص مسائل فنی طرح‌ها از جمله توجیه اقتصادی آن‌ها نظر می‌دهند، ولی شتاب‌دهنده‌های دولتی، مستقل از نظر این هیئت عمل می‌کنند. این وضعیت به روزه سوء استفاده از منابع دولتی بدل شده است که به عنوان بودجه به این شتاب‌دهنده‌ها اختصاص می‌یابد. بنا به گزارش پارک علم و فناوری در استان‌های اصفهان، کرمان و کردستان (سال ۱۳۹۷)، بیش‌تر شرکت‌های دانش‌بنیان گزینش شده توسط شتاب‌دهنده‌ها توجیه اقتصادی نداشته‌اند.^۳

۱. طباطبایی مؤتمنی، پیشین، ص ۵۴.

۲. موسی‌زاده، پیشین، ص ۶۵.

۳. طباطبایی مؤتمنی، پیشین، ص ۱۵۴.

از این گزارش می‌توان چنین استنباط کرد که با وجود لزوم تبعیت شتاب‌دهنده‌های دولتی از مرکز پارک علم و فناوری، این مراکز از نظر هیئت دآوری در خصوص توجیه اقتصادی طرح‌ها تبعیت نکرده‌اند و به صلاح‌دید مدیران سازمان در این خصوص تصمیم می‌گیرند. در نتیجه، شرکت‌های بدون توجیه اقتصادی برای شتاب‌دهی انتخاب می‌شود که در نهایت، به حیف و میل منابع دولتی می‌انجامد. اگر شتاب‌دهنده‌ها به تبعیت از نظر هیئت دآوری مستقر در پارک علم و فناوری ملزم باشند و با توجه به تبعیت از پارک، نظر کارشناسان آن را برای انتخاب شرکت صحیح بدانند، می‌توان به هدایت صحیح منابع دولتی که در اختیار مراکز است، امید داشت.

استانداردسازی اساس‌نامه این شرکت‌ها نیز با توجه به دولتی بودن به سادگی امکان‌پذیر است. مثلاً وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اختیار خود برای استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌های تعاونی بهره برده است. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز می‌تواند اساس‌نامه نمونه شرکت‌های شتاب‌دهنده را تنظیم کند که به موجب آن، تبعیت از نظر هیئت دآوری پارک علم و فناوری برای شرکت‌ها الزامی شود. مزیت دیگر استانداردسازی اساس‌نامه این شرکت‌ها، یک‌پارچه شدن مقررات اداری متنوع و گاه متعارض شرکت‌های دارای فعالیت مشابه است.

در خصوص شرکت‌های شتاب‌دهنده خصوصی که به تعداد انگشت‌شمار فعالیت دارند، باید گفت که الزام آن‌ها به تبعیت از پارک علم و فناوری ممکن نیست. بر اساس اصل آزادی اراده‌ها، شتاب‌دهنده‌های خصوصی با مبتکران، قرارداد منعقد می‌کنند تا به بازدهی بالای طرح منتهی شود. بنابراین، از نظر اداری نمی‌توان تبعیت کامل از پارک علم و فناوری را بر آن‌ها الزامی کرد و مرکز پارک علم و فناوری تنها ناظر است.

به نظر می‌رسد سرمایه‌های این شرکت‌ها، صحیح‌تر هدایت شده و با توجه به منفعت مالی صاحبان این شرکت‌ها، به نحوی عادلانه‌تر در خصوص بازدهی طرح‌ها اظهار نظر شده است.^۱ البته صاحبان حقیقی این شرکت‌ها از برخی طرح‌های تأییدناشده بعدها به نحوی دیگر استفاده می‌کنند که برخلاف مفاد «ق.ج» است.^۲ به موجب مفاد این منبع حقوقی، استفاده بدون رضایت از طرح‌هایی که حتی به ثبت نرسیده‌اند، ممنوع است. پارک علم و فناوری که تنها اختیار اداری نظارت بر مراکز شتاب‌دهی خصوصی را دارد، می‌تواند ضمن ثبت اولیه طرح‌ها، در صورت رد توجیه اقتصادی‌شان، آن‌ها را بایگانی کند تا اگر بعدها از آن‌ها استفاده شد، بتواند گزارش‌های لازم را به مقامات قضایی ارائه دهد. به این ترتیب، با اختیار اداری پارک، ادله اثبات دعوای مدنی به نظام قضایی ارائه می‌شود و از حقوق مبتکران صیانت خواهد شد.

۱. موسی‌زاده، پیشین، ص ۶۵.

۲. طیبی ابوالحسنی و زین‌الدینی، پیشین، ص ۵۴۲.

بند سوم. شراکت انعطاف‌ناپذیر

مطابق بخش‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که در سال ۱۳۸۹ و در جریان تأسیس شرکت‌های شتاب‌دهنده دولتی تدوین و ابلاغ شد، شرکت‌های شتاب‌دهنده با اعطای ۲۰ میلیون تومان به صاحبان طرح، بدون مشارکت در مالکیت معنوی، ۳۰ درصد از سهام شرکت دانش‌بنیان در حال تأسیس را صاحب می‌شوند.^۱ با تورم‌های چندساله اخیر، مطابق آخرین بخش‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۹، مبلغ مشارکت به ۲۰۰ میلیون تومان افزایش یافت. شرکت‌های خصوصی، صورتی دیگر از شراکت را پیشنهاد کرده‌اند که انعطاف‌پذیری بهتری دارد. برای نمونه، در سال ۱۳۹۶، شتاب‌دهنده خصوصی تیک، با پرداخت مبلغ حداکثر ۳۰ میلیون تومان، صاحب حداکثر ۲۰ درصد سهام شد.^۲ ذکر عنوان «حداکثر»، نشان‌دهنده توافق اولیه و اثر نظر کارشناسی بر طرح نوآورانه است. به صورت منطقی، بازدهی تمامی طرح‌ها یکسان نیست. پس نحوه مشارکت در آن‌ها نیز متفاوت است. بنابراین، ذکر میزان ثابت سرمایه‌گذاری در قبال سهم ثابت شراکت ممکن نیست. شتاب‌دهنده‌های دولتی که ملزمند از بخش‌نامه‌های دولتی تبعیت کنند، نمی‌توانند این قاعده را برهم زنند. پس جذابیت شتاب‌دهنده‌ها برای حضور در شرکت‌های دانش‌بنیان به حداقل خواهد رسید. درست است که شرکت‌های خصوصی رویه منعطف‌تری را در پیش گرفته‌اند، اما باز هم نیاز است که حسب وضعیت روز، این قواعد تعدیل یابند. برای مثال، می‌توان ذکر کرد که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) ضمن رسمیت‌بخشی به دیه و بیان مطالب ماهوی در این خصوص، مبلغ دیه را تابع اعلام نظر سالانه قوه قضاییه دانسته است. قوه قضاییه حسب شرایط اقتصادی، در ابتدای سال، میزان دیه را اعلام می‌کند. ضمن الگوبرداری مشابه از رویه قوه قضاییه، بهتر است در خصوص شراکت ریسک‌پذیر، مبلغ و میزان سهم شراکت در ابتدای سال اعلام شود تا جذابیت لازم را برای همکاری شرکت‌های دانش‌بنیان داشته باشد.

بند چهارم. محسوب شدن به عنوان شرکت دانش‌بنیان

بر اساس بخش‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شرکت‌های شتاب‌دهنده دولتی تحت تبعیت مراکز علم و فناوری هستند، در حالی که شتاب‌دهنده‌های خصوصی تنها

۱. همان، ص ۱۴۲.

۲. بابایی فارسانی، میثم، صادق حسینی مقدم و فرهاد فرهادی، «تعامل فرهنگ یادگیری سازمانی با ظرفیت جذب نوآوری باز و رهبری توان‌مندساز در شرکت‌های دانش‌بنیان: تحلیل یک مدل میانجی تعدیل‌شده»، فصل‌نامه مدیریت دانش سازمانی، دوره چهارم، ۱۴۰۰، ص ۲۰۰.

تحت نظارت این مرکز قرار دارند. بنابراین، رابطه عمودی بین مرکز و شرکت‌های شتاب‌دهنده برقرار است. شرکت‌های شتاب‌دهنده به صورت رسمی و اداری، تسریع‌کننده تأسیس و ثمردهی شرکت‌های دانش‌بنیان هستند، اما در عمل، به این دلایل، نوعی شرکت دانش‌بنیان محسوب می‌شوند:

۱. استفاده دایم از تمامی امکانات فیزیکی شرکت‌های دانش‌بنیان در محل پارک علم و فناوری؛

۲. استفاده از تسهیلات مالی مانند شرکت‌های دانش‌بنیان؛

۳. مخاطب قرار گرفتن اداری مانند دیگر شرکت‌های دانش‌بنیان؛

۴. وضع قراردادهای فی‌مابین با مرکز پارک علم و فناوری مانند دیگر شرکت‌های دانش‌بنیان.

گویا شرکت‌های شتاب‌دهنده از تمامی امکانات شرکت‌های دانش‌بنیان استفاده می‌کنند و به دلایلی که پیش‌تر بیان شد، انتظارات لازم در این خصوص را برآورده نمی‌سازند. این در حالی است که از نظر رسمی و اداری نیز شرکت‌های شتاب‌دهنده به عنوان شرکت دانش‌بنیان خوانده نمی‌شوند. چند انتقاد در این باره وارد است: شرکت‌های شتاب‌دهنده دولتی تمامی مشکلات گفته‌شده در مورد مدیریت دولتی را دارند. افزون بر آن، موجب هدررفت بخشی از منابع مالی می‌شوند که به شرکت‌های دانش‌بنیان اختصاص یافته است. همچنین بازدهی مورد انتظار را ندارند.

شرکت‌های خصوصی نیز از تمامی مزایای شرکت‌های دانش‌بنیان بهره می‌برند. این شرکت‌ها با سرمایه‌های کلان توسط شرکت‌های بزرگ تأسیس شده‌اند، ولی رسماً به آن نیازی ندارند. این مورد مهم موجب شده است که تنها از نام اداری حضور در مرکز پارک علم و فناوری بهره ببرند.

مشکل مشابه، پیش‌تر در کشور ترکیه مطرح بود. در این کشور، شتاب‌دهنده‌ها به صورت عمودی، زیرمجموعه مراکز حمایتی طرح‌های نوین قرار داشتند. صاحب‌نظران این کشور چنین پیشنهاد داده بودند که از نظر اداری، رابطه بین شتاب‌دهنده‌ها و مراکز حمایتی باید افقی باشد و نه عمودی. بنابراین، از سال ۲۰۰۵ به بعد، تمامی شرکت‌های دولتی و خصوصی شتاب‌دهنده، طرف مقابل مراکز حمایتی قرار گرفتند و در صورت استفاده از امکانات سازمان، هزینه آزاد آن پرداخت شد. در ضمن، اولویت اعطای تمامی امکانات حمایتی به شرکت‌های دانش‌بنیان تعلق گرفت. در نتیجه، آمار شرکت‌های تحت حمایت که به بازدهی رسیدند، روزبه‌روز رشد بهتری داشت و تا سال ۲۰۱۲ به بیش از ۳۰۰ درصد رسید که اکثریت آن‌ها با حمایت شرکت‌های شتاب‌دهنده دولتی به بازدهی رسیدند.^۱

1-Zhang, J., Gu, Z., Jang, J., Wu, H., Stoecklin, M. P., Huang, H., & Molloy, I., "Protecting intellectual property of deep neural networks with watermarking", In Proceedings of the 2018 on Asia Conference on Computer and Communications Security 2018 , P.160

بنابراین، می‌توان از الگوی کشور ترکیه بهره گرفت و شرکت‌های شتاب‌دهنده را «همکار» و نه «تابع» پارک علم و فناوری دانست. اولویت واگذاری امکانات مراکز پارک علم و فناوری باید به شرکت‌های دانش‌بنیان باشد و در صورت اعطای برخی امکانات مانند دفتر کار به شرکت‌های شتاب‌دهنده، هزینه آزاد آن محاسبه شود. به این صورت، منابع اختصاص یافته دولت به صورت مستقیم برای شرکت‌های دانش‌بنیان هزینه می‌شود. افزون بر آن، چون شرکت‌های شتاب‌دهنده، امتیازات خاص ندارند، زمینه برای همکاری بهتر آن‌ها فراهم می‌شود.

گفتار سوم. ناهماهنگی‌های اداری

در گفتار پیشین، چالش‌های اداری شتاب‌دهنده‌ها بررسی شد که بر جریان حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان مؤثر است. در این گفتار، خارج از مباحث شتاب‌دهنده‌ها، ناهماهنگی‌های اداری حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان بررسی شده که یا به دلیل زیرساخت اجرای قانون مرتبط بوده است یا به خنثی شدن اثر حمایت انجام شده یک سازمان توسط سازمانی دیگر اشاره دارد. هیئت دولت به عنوان بالاترین رکن اجرایی هر کشور، از اختیارات لازم برای رفع ناهماهنگی‌های اداری بهره‌مند است.

بند اول. نبود ضمانت خرید محصول / خدمات

در «ق.ج.ش» و «آ.آ.ق» که اصلی‌ترین منابع حقوقی در خصوص حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان هستند، به خرید تضمینی محصولات/خدمات شرکت‌های دانش‌بنیان هیچ اشاره‌ای نشده است که نوعی ضعف در حمایت‌های دولتی محسوب می‌شود. البته بخش‌نامه‌های پراکنده در این خصوص وجود دارد، اما متأسفانه هیچ اداره و سازمان دولتی به خرید محصول/خدمات شرکت‌های دانش‌بنیان ملزم نیست.

اولاً این موضوع در «ق.ج.ش» نیامده که اصلی‌ترین منبع حقوق موضوعه در خصوص حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان است. ثانیاً در آیین‌نامه اجرایی آن نیز چنین تضمینی وجود ندارد. بخش‌نامه‌های پراکنده که جای بحث چندانی در این پژوهش ندارد، به اداره‌های دولتی چندان الزامی نکرده است. البته چنین الزامی برای شرکت‌های خصوصی و جاهت قانونی ندارد. با این حال، دولت می‌تواند حسب اختیارات اجرایی - اداری خود، نهادهای دولتی را به خرید محصول/خدمات از شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی ملزم کند. در همین راستا، دانشگاه کرمان با وجود تولیدات پنل‌های خورشیدی در شهرستان یزد، چند

۱. کریمی فرد، حسن و مهدی نژادخلیلی، «آسیب‌شناسی وظایف و عملکرد شوراهای اسلامی شهر در ایران: با

بهره‌گیری از نظرات اعضای شورا و کارشناسان» (گزارش پژوهشی)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،

صد دستگاه پنل خورشیدی وارد کرده است که انتظار می‌رفت این محصول را با هزینه حداقلی از شرکت دانش‌بنیان مستقر در یزد بخرد.^۱ در کشور ژاپن به موجب دستور نخست‌وزیر، از سال ۱۹۸۰، اولویت خرید محصول/ خدمات با شرکتهای داخلی دانش‌بنیان است. در کشور کره جنوبی نیز به شرط تأیید کیفیت محصولات دانش‌بنیان، اولویت خرید با شرکتهای داخلی است. در آلمان و فرانسه هم چنین الزامات اداری وجود دارد.^۲ به طور طبیعی، رئیس دولت به عنوان بالاترین رکن اجرایی هر کشور، اختیار الزام اداری به نهادهای دولتی را دارد. گفتنی است که فرمان‌های دولتی بر خلاف قوانین موضوعه توسط رئیس بعدی قابل لغو است، ولی این دستورهای دارای اثر مطلوب مرتباً تمدید شده است.^۳ نتیجه بحث این‌که در ایران، هیچ قانون و مقرراتی، اداره‌ها و شرکتهای دولتی را به خرید محصول/ خدمات از شرکتهای دانش‌بنیان ملزم نمی‌کند که در این خصوص باید دستورهای اجرایی مقتضی صادر شود.

بند دوم. ناهماهنگی در منع واردات

انتظار می‌رود که با توسعه محصولات/ خدمات دانش‌بنیان، واردات محصولات مشابه متوقف یا حداقل‌سازی شود. مانند مشکل پیشین، منبع حقوقی خاصی در این خصوص وجود ندارد، اما هیئت دولت در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۳ با صدور مصوبه‌ای، وزارت‌خانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و اقتصاد را موظف کرد که آیین‌نامه اجرایی موقعیت محصول/ شرکتهای دانش‌بنیان را تهیه و تنظیم کند تا به موجب آن، در صورت تضمین رفع نیاز داخلی توسط این محصول/ خدمات، از واردات آن جلوگیری شود.^۴ آیین‌نامه یادشده در پایان سال ۱۳۹۴ تهیه، تنظیم و اجرا شد. به موجب مواد ۵ تا ۱۰ این آیین‌نامه، پارک‌های علم و فناوری استان، موظف به اعلام نظر کیفی در خصوص محصولات دانش‌بنیان است. پس از اعلام ارزش اقتصادی توسط کارشناسان وزارت اقتصاد، به

۱. بابایی فارسانی، حسنی مقدم و فرهادی، پیشین، ص ۲۱۰.

2-Janke, T., True Tracks: Indigenous cultural and intellectual property principles for putting self-determination into practice, 2019, p. 125

3-Guo, M., Intellectual Property Strategy and Ecosystem Evolution (Doctoral dissertation, University of Cambridge), 2021, p. 75

۴. معصومی، عاطفه و عمار فیضی، «مدل‌های فرهنگ سازمانی و شرکتهای دانش‌بنیان»، فصل‌نامه علمی - تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره پنجم، ۱۴۰۰، ص ۷۰.

میزان تأمین نیاز داخلی، از واردات محصول / خدمات جلوگیری می‌شود و گمرک جمهوری اسلامی ایران، موظف به رعایت این مهم است. در عمل، گمرک جمهوری اسلامی ایران با اظهارنامه‌ای به شکل مانیفیست و ثبت الکترونیکی آن، امور اداری گمرکی را انجام می‌دهد. به موجب مقررات اداری گمرک جمهوری اسلامی ایران که از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) ریشه گرفته است، به محض تسلیم مانیفیست، بسته‌بندی باز نخواهد شد. در مواردی که کالا توسط ملوانان و با کشتی‌های تجاری با ظرفیت کم‌تر از ۵۰۰ تن به کشور وارد می‌شود، با تغییر در مانیفیست، تنها چند قلم کالا به گمرک اظهار می‌گردد، در صورتی که در داخل بسته، کالای بسیاری وجود دارد.

واردات کالا به این روش، تابع مقررات خاص دیگری به نام آیین‌نامه ورود کالا توسط ملوانان شناورهای دریایی سنتی با ظرفیت کم‌تر از ۵۰۰ تن (لنج تجاری) و سامان‌دهی و نوسازی آن شناورها (مصوب ۱۳۹۷) است. در عمل، به دلیل نبود مرجع تأیید اصالت مانیفیست، واردات کالا به این طریق به روزنه‌ای برای واردات بی‌رویه بدل شده است که آیین‌نامه مشترک وزارتخانه‌های اقتصاد و علوم، تحقیقات و فناوری را نادیده می‌گیرد.^۱ در واقع، به طریق قانونی، کالای قاچاق به کشور وارد می‌شود. چون گمرک، نهادی تحت تبعیت از وزارت امور اقتصادی است، این وزارت‌خانه می‌تواند با تنظیم مقرراتی، مرجع اصالت مانیفیست را تعیین کند تا بتواند مقدار دقیق کالای واردشده توسط ملوانان را به کشور شناسایی کند و مانع از واردات بی‌رویه شود.

بند سوم. ناتوانی در تعیین میزان ریسک

در فصل دوم آیین‌نامه اجرایی پارک علم و فناوری (مصوب ۱۳۹۵) به تشکیل هیئت سه نفره برای تعیین میزان ریسک فعالیت اقتصادی اشاره شده است. در عمل، داوران فنی که حسب تجربه از وضعیت بازار اطلاع دارند، میزان ریسک اقتصادی طرح را تعیین کرده‌اند که گاهی اشتباه است.^۲ آیین‌نامه پارک علم و فناوری، مشخصات خاصی برای داوران تعیین نکرده است و در حال حاضر، حسب عرف اداری، داوران فنی، وضعیت اقتصادی را مشخص

۱. عربی، افسانه، محمودرضا چراغ‌علی، محمدشریف شریف‌زاده و محمدباقر گرجی، «شناسایی و ارزیابی شاخص‌های تجاری‌سازی دانش با رویکرد بین‌الملل در شرکت‌های دانش‌بنیان شهر تهران»، مدیریت کسب و کار، دوره سیزدهم، ۱۴۰۰، ص ۴۴۰.

۲. سپهوند، رضا، صابر تقی‌پور و معصومه مؤمنی‌مفرد، «انحصارگرایی تخصصی و انحرافات محیط کاری: تحلیل نقش میانجی پنهان‌سازی دانش با تأکید بر نقش تعدیل‌گر انگیزه کار تیمی»، فرآیند مدیریت و توسعه، دوره دوم، ۱۴۰۰، ص ۱۶۰.

می‌کنند. این داوران تنها در مورد مسائل فنی تخصص دارند که بیش‌تر در اعلام نظر به سامانه مالکیت معنوی در خصوص نوآورانه بودن طرح کارآیی دارد. با این حال، اظهار نظر این داوران در خصوص اقسام طرح‌ها مشهود است. این در حالی است که سنجش ریسک اقتصادی حسب هر صنعت متفاوت است.

بنابراین، در سکوت آیین‌نامه (مصوب ۱۳۹۵) و عرف شکل‌گرفته در پارک علم و فناوری، برآورد دقیقی از آینده اقتصادی طرح صورت نخواهد گرفت. به این ترتیب، جای کارشناس اقتصادی خالی است و باید با اصلاح آیین‌نامه یادشده یا صدور بخش‌نامه‌ای جدید، به حضور کارشناس اقتصادی در هیئت داوری تعیین وضعیت اقتصادی رسمیت بخشند تا برآورد اقتصادی از طرح‌های ارائه‌شده، دقیق‌تر صورت پذیرد. با توجه به اختیاراتی که «آپ» در خصوص تعیین هیئت داوری به مرکز اختصاص داده است، تنها با تصمیم مدیران سازمان می‌توان این مشکل اداری را برطرف کرد.

بند چهارم. سامانه مؤدیان مالیاتی

به موجب بند اول ماده سوم «ق.ح.ش»، معافیت از پرداخت مالیات، عوارض، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض صادراتی به مدت پانزده سال از حمایت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های دانش‌بنیان محسوب می‌شود. از طرف دیگر، فصل ششم «آ.ا.ق» تحت عنوان معافیت‌های مالیاتی و گمرکی که مواد ۱۹ تا ۲۲ را شامل می‌شود، به معافیت مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان اشاره دارد. این منابع حقوقی به اداره امور مالیاتی ابلاغ شده و این سازمان موظف به رعایت این مهم است.

از سال ۱۳۹۷ و در جریان تحول در نظام الکترونیکی مالیاتی، طبقه‌بندی مشاغل حسب استانداردهای «آیسیک ۵»^۱ و «این تاکد»^۲ انجام شد. ظاهراً این استانداردها بر اساس متداول‌ترین رتبه‌بندی مشاغل در سطح دنیا انجام شده است که نقاط قوت و ضعف فراوانی دارد.^۳ بحث در خصوص این رویه رتبه‌بندی، خارج از پژوهش کنونی است، اما به

۱. کد «آیسیک»، مخفف International Standard Industrial Classification یعنی سیستم بین‌المللی طبقه‌بندی استاندارد صنایع است. کدگذاری به عنوان روش ساده و دقیق برای تعیین هویت کالا، قطعات، مدارک و اموال، سال‌هاست که در سطح شرکت‌ها و زنجیره‌های تأمین به کار می‌رود.

۲. این تاکد مالیاتی به منظور افزایش دقت و تمرکز بالا در طبقه‌بندی انواع فعالیت‌های شغلی صورت می‌گیرد. مدیران تمامی مشاغل اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی موظف هستند پس از راه‌اندازی شغل خود، بلافاصله کد مالیاتی را بگیرند که منحصر به شغل خودشان است. اگر بدون داشتن کد مالیاتی، معامله‌ای صورت بگیرد، جرم محسوب و شرکت جریمه می‌شود.

۳. سپهوند، تقی‌پور و مؤمنی‌مفرد، پیشین، ص ۱۶۰.

ذکر این نکته اکتفا می‌شود که در این رویه، جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان مشخص نیست. بنابراین، شرکت‌های دانش‌بنیان هنگام ارائه اطلاعات به سازمان امور مالیاتی که به صورت الکترونیکی انجام می‌شود، مجبور به انتخاب فعالیت خود حسب دو استاندارد یادشده هستند که جایگاهی برای شرکت‌های دانش‌بنیان ندارد.^۱

به این ترتیب، سازمان امور مالیاتی خواه ناخواه، شرکت‌ها را به اقسام «دانش‌بنیان» و «غیر دانش‌بنیان» تفکیک کرده است و محاسبه مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان مانند شرکت‌های عادی انجام خواهد شد. چون «ق.ح.ش» و «آ.ا.ق» از منابع حقوقی لازم‌الاجرا هستند، سازمان امور مالیاتی، موظف به اصلاح استاندارد رتبه‌بندی مشاغل هستند تا با شناسایی شرکت‌های دانش‌بنیان، معافیت مالیاتی آن‌ها را اعمال کند. بنابراین، رویه اداری در پیش‌گرفته شده در سازمان امور مالیاتی با الزامات دو منبع حقوقی یادشده تفاوت دارد و باید آن را اصلاح کرد.

گفتار چهارم. مشکلات مربوط به مالکیت معنوی

مهم‌ترین جنبه حقوقی حمایت از آثار بدیع، اعطای سند مالکیت معنوی به مالک طرح و حمایت از فعالیت انحصاری آن به مدت مشخص است. شرکت‌های دانش‌بنیان عمدتاً بر پایه مالکیت معنوی طرح‌های بدیع استوار است و در صورت اجرای صحیح قانون مربوط می‌توان به حمایت واقعی از این شرکت‌ها اطمینان داشت. البته «ق.ح» به نظر به‌روز نبوده و نیازمند اصلاحاتی در این خصوص است. با وجود ابهام‌های قانون یادشده، مشکلات اداری بر سر اجرای آن وجود دارد که به آن اشاره می‌کنیم.

بند اول. رویه مرکز مالکیت معنوی

به موجب مفاد «ق.ح» در مورد اختراعات، با وجود اشعار قانونی و برخی تناقض‌ها در مورد نحوه محاسبه مبدأ زمان حمایت، در عمل، بیست سال حق انحصاری تولید محصول از زمان تسلیم اظهارنامه به مخترع داده شده است. این مدت زمان برای آثار تألیفی تا ۵۰ سال پس از فوت پدیدآورنده است. در صورت تأمین منابع مالی و دیگر حمایت‌ها، این حق می‌تواند به ایجاد کسب و کار تولیدی پرسود بدل شود.

هم اکنون شرکت‌های دانش‌بنیان زیادی در کشور مشغول به کار هستند که افراد خلاق، حاصل طرح‌های بدیع خود را ابتدا در قالب اختراع در سامانه ثبت مالکیت گزارش

۱. سعدآبادی، علی‌اصغر، فهیمه آزموده و کیارش فرناش، «اقدام پژوهی رویداد استار تاپی (شتاب) خاتون: بررسی نقش‌های

دوگانه خانوادگی و اجتماعی زنان»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره سوم، ۱۴۰۰، ص ۱۰.

می‌دهند و پس از بررسی‌های کارشناسانه، سند مالکیت معنوی (گواهی‌نامه ثبت اختراع، گواهی ثبت طرح بدیع و هر سندی که توسط مرکز مالکیت معنوی برای خالق اثر بدیع صادر می‌شود) برای این افراد صادر می‌شود. سپس با حمایت‌های دولتی/ بخش خصوصی، کسب و کار مرتبط را راه‌اندازی می‌کند که در صورت توجیه مالی، درآمد مناسبی نصیب صاحب اختراع می‌گردد. در آثار سفارشی یا مواردی که مستخدمان به دستور کارفرما، اثری بدیع می‌آفرینند، کارفرما یا سفارش‌دهنده، صاحب طرح محسوب می‌شود.^۱

در صورت ثبت کامل یا ناقص طرح نوآورانه (اختراع یا هر طرح بدیع به استثنای تألیفات و نتایج تحقیقات علمی) در سامانه مالکیت معنوی قوه قضاییه می‌توان به مبدأ زمانی ثبت برخط طرح استناد جست و کپی‌برداری و سرقت از طرح بدیع را پی‌گیری کرد.^۲ در واقع، زمان ثبت در سامانه مالکیت معنوی، خود، دلیلی برای اثبات مالکیت اموال فکر محسوب می‌شود. همان طور که ذکر شد، آثار هنری، تألیفات، ترجمه و تحقیقات علمی، مشمول ثبت در سامانه مالکیت معنوی نیست، اما حقوق مالکیت فکری شامل آن‌ها نیز می‌شود. اگر بتوان اثبات کرد که نوشته‌های پیش از چاپ نیز متعلق به مؤلف است، کپی‌برداران آن به مجازات محکوم خواهند شد.

«ق.ج» را تقریباً می‌توان تنها منبع حقوق موضوعه در خصوص حمایت دولتی از مالکیت معنوی دانست. مرکز مالکیت معنوی قوه قضاییه نیز در چارچوب این قانون، مقررات اداری خود را تنظیم کرده است که ضمن همکاری با مراکز پارک علم و فناوری، برای طرح‌های بدیع، سند صادر می‌کند. مدت زمان حمایتی که در سند ذکر شده، بسته به طرح‌های مختلف متفاوت است که نشان‌دهنده رویه اداری مبهم مرکز مالکیت معنوی است. برای مثال، مدت حمایت از طرح کسب و کار اسنپ^۳ به عنوان طرحی بدیع، ده سال؛ برخی اختراعات کوچک مثل طرح فرمان تاشو، بیست سال؛ طرح‌های توسعه‌ای، بیست سال و اختراعات صنعتی، سی سال است که این آمار با بررسی چندین سند مالکیت معنوی به دست آمده است.^۴ اکنون این سؤال مطرح است که مبنای حقوقی از تصویب چنین مدت حمایتی چیست؟

۱. پیلوار، رحیم، **فلسفه حق مالکیت**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۴۳۲.

۲. در تفسیر موسع از «ق.ج» و بررسی چند پرونده حقوقی، در صورت اثبات وجود طرح بدیع و ثبت نشدن آن، کپی‌بردار به مجازات مندرج در «ق.ج» محکوم می‌شود.

3-Snapp.

۴. کشاورز، بهمن، **سرقفلی و حق کسب یا پیشه در تجارت**، تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، چاپ

اول، ۱۳۹۴، ص ۵۴.

به نظر می‌رسد «ق.ج» به صورت مبهم در این خصوص صحبت کرده و جزئیات آن به وضع مقررات اداری مرکز مالکیت معنوی سپرده شده است. در «ق.ج» از مدت حمایت سی ساله صحبت شده است که به نظر می‌رسد مدت‌های غیر از سی سال، مبنای قانونی ندارد. از طرف دیگر، با توجه به این که مرکز مالکیت معنوی، زیرمجموعه قوه قضاییه است، در تفسیر مسائل حقوقی اهلیت دارد. در این میان، احتمال دارد که تعیین مدت زمان‌های متفاوت در سکوت قانون و از اختیارات اداری مرکز سرچشمه گرفته باشد. درج مدت زمان کوتاه حمایت نیز می‌تواند کاهش حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان تلقی شود. بنابراین، نیاز است که اولاً مدت حمایت، مبنای حقوقی تری بیابد و در سکوت قانون، مقررات اداری این موضوع مهم در مشورت با اهل خبره تعیین شود تا به سبب مدت حمایت اندک، انگیزه شرکت‌های دانش‌بنیان در ادامه فعالیت کاهش نیابد. همچنین با تدوین مقررات اداری دقیق‌تر باید تعیین مدت زمان حمایت صراحت یابد. البته اگر قوه مقننه ضمن اصلاح «ق.ج» به این مدت زمان، رسمیت بهتری می‌بخشد، اجرای آن با سهولت بهتر ممکن بود و مرکز مالکیت معنوی نمی‌تواند مقررات اداری خلاف آن تنظیم کند.

بند دوم. کارگروه رسیدگی به شکایات

بیان شد که گاهی شتاب‌دهنده‌های خصوصی پس از اعلام بازدهی نداشتن طرح، بعدها از آن استفاده می‌کنند. با توجه به رویه شتاب‌دهنده خصوصی که تنها طرح‌های پیش از ثبت را می‌پذیرد، استفاده از این طرح‌ها بعدها ممکن است. هر چند جرم‌انگاری استفاده از طرح‌های ثبت‌ناشده حسب تفسیر موسع از «ق.ج» امکان دارد، به دلیل صراحت نداشتن قانون‌گذار در این خصوص، رسیدگی به شکایات این حوزه بسیار زمان‌بر است. در این مواقع، با همکاری پارک علم و فناوری و قوه قضاییه، هیئت داوری که پیش‌تر توضیح داده شد، نظر کارشناسی را بیان و شعبه حقوقی دادگستری بر اساس آن رأی صادر می‌کند.^۱ گفتنی است کیفیت اظهار نظر هیئت داوری در بیش‌تر موارد، مورد قبول طرفین نیست. هیئت یادشده بیش‌تر در خصوص جنبه‌های نوآوری طرح تخصص دارد و تغییرات اندک در طرح، به سهولت می‌تواند در هیئت داوری پذیرفته شود. از طرف دیگر، در صورت ثبت نشدن طرح در سامانه مالکیت معنوی باید به دست‌نوشته‌هایی اکتفا کرد که تنها در خود شتاب‌دهنده ثبت شده و بنابراین، ادله اثبات دعوا کاملاً از بین رفته است. بنابراین، حقوق پدیدآورنده به سهولت از بین می‌رود.

۱. خدمت‌گزار، محسن، فلسفه مالکیت فکری، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص ۷۵.

برای رفع این مشکل، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

۱. وزارت دادگستری باید رسته کارشناسی مرتبط با مالکیت معنوی را تربیت کند و صلاحیت اظهار نظر هیئت داوری فنی را در خصوص کپی‌برداری باید سلب کرد.
 ۲. مرکز پارک علم و فناوری باید طرح‌ها را پیش از اعلام به شتاب‌دهنده‌های خصوصی ثبت کند تا در صورت کپی‌برداری به عنوان ادله اثبات دعوا قرار گیرد.
 ۳. پارک علم و فناوری باید علاوه بر مجازات‌های قضایی، تنبیه اداری نیز برای شتاب‌دهنده‌های متخلف در این حوزه در نظر بگیرد.
- در وضعیت کنونی که شتاب‌دهنده‌های خصوصی با سرمایه کلان می‌توانند به راحتی از طرح‌های ارائه‌شده کپی‌برداری کنند، انگیزه مخترعان و پدیدآورندگان طرح‌های بدیع برای نوآوری کاهش یافته است که این مورد هرگز مطلوب نیست.

بند سوم. رهن‌گذاری اسناد

در اصطلاح حقوقی، توقیف به معنای بازداشت کردن یک وسیله است. توقیف اموال به معنای بازداشت وسیله توسط قوای دولتی خوانده می‌شود. در اصطلاح حقوقی، توقیف به محکوم علیه خوانده می‌شود. منظور از محکوم علیه، کسی است که حکم به زیان وی صادر شده است. در واقع، توقیف اموال از نظر حقوقی به بازداشت دارایی شخصی اطلاق شده که حکم به زیان وی صادر گردیده است. بحث در مورد قابل توقیف بودن اموال فکری بسیار گسترده است. قانون‌گذار تنها در تبصره ماده ۶۵ «ق.ا.ح» به منع توقیف آثار تألیفی و ترجمه پیش از انتشار تصریح کرده است.

میزان مالیت اموال فکری مبهم است و طلبکاران، خواهان اموالی هستند که قابلیت نقدشوندگی بهتری داشته باشند. در خصوص توقیف اموال معنوی نمی‌توان ماده قانونی نافی آن یافت. بحث در این خصوص، اندکی خارج از پژوهش کنونی است، اما به لحاظ اثر آن بر حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، مختصری در خصوص توقیف این اموال صحبت شده است. دیوان عالی کشور نیز در این مورد، رأی وحدت رویه صادر نکرده است. با این حال، در بررسی مثال‌های حقوقی، می‌توان رویه قضایی را حتی المقدور، حفظ مالکیت معنوی دانست. در این خصوص به مثال زیر توجه شود:

در شهرستان کرمانشاه، به موجب دادنامه ۱۳۹۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۲۹ برای مطالبه مهریه، شرکت دانش‌بنیان که مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره آن، مخترع همان طرح تولیدی بودند، دادگاه چنین حکم داد که ۴۸ درصد سهام برای دیون مهریه مدیرعامل به همسرش واگذار

شده و به جهت حمایت قانون از مخترعان، اداره این شرکت باید در اختیار دو نفر یادشده باشد که مجموع سهام آن‌ها تا مدت سی سال باید حداقل ۵۱ درصد باقی بماند و یک درصد باقی‌مانده به شریک بی‌طرف تعلق داشت و به جای خود باقی ماند. تنها سهم مدیرعامل از ۵۸ درصد به ۱۱ درصد تقلیل یافت که به کمک ۴۰ درصد سهم رئیس هیئت مدیره، در مقام ۵۱ درصد مخترعان طرح باقی بماند.^۱

از بحث‌های بیان‌شده چنین مشخص شد که حق و حقوق کامل مالکیت فکری قابلیت مصادره ندارد. مثلاً علامت تجاری، قابلیت توقیف و ضمانت‌گذاری ندارد. تنها در صورتی حق مصادره دارد که فعالیت اقتصادی مرتبط با مالکیت فکری به مرحله بازدهی رسیده باشد. حق سی‌ساله مخترع بر اثر فکری، قابلیت توقیف ندارد، اما قابلیت واگذاری دارد. تنها راه حل مصادره اموال فکری، نخست، منافع مالی آن است که مثال‌هایی از آن ذکر شد.

برای نمونه، یک نشان تجاری، اگر به مرحله بازدهی مالی رسیده باشد، بخشی از عواید و درآمد آن قابل مصادره است. میزان دقیق تصرف در این درآمد را قانون مشخص کرده و هزینه‌های زندگی مالک اثر نیز باید تأمین شود. اصل اثر در صورتی که قابلیت فروش بخشی از آن وجود داشته باشد، هم‌چون یک کارخانه و شرکتی که با قوانین دانش‌بنیان تشکیل شده است، باید به گونه‌ای مصادره شود که مدیریت مالک اثر نسبت به آن باقی بماند. مثلاً ۴۹ درصد شرکت به نفع طلبکار مصادره یا به مزایده گذارده می‌شود. به جز مثال‌های بیان‌شده، راه دیگری برای توقیف اموال فکری وجود ندارد.

بنابراین، خط قرمز قانون در ورود به حقوق مالکیت معنوی، حفظ نام آن‌ها و سی سال حق طرفین است. با این‌که مهریه، حق زن محسوب می‌شود، مجاز نبود که به حق مالکیت اصلی طرح وارد شود. عرف حقوقی، تنها اجازه محدود ورود به حق مالکیت معنوی را به گونه‌ای داد که حقوق افراد حفظ و باقی طلب مهریه، از منابع دیگر جبران شود. مثال‌های دیگر در این مورد موجود است که برای پرهیز از اطاله کلام از آن گذشتیم. تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که توقیف منافع مادی اموال معنوی به سهولت انجام می‌شود، اما در صورت کافی نبودن منافع مادی، اموال معنوی نیز به سبب دیون قابل مصادره است.

بنابراین، قابلیت رهن‌گذاری اسناد مالکیت معنوی از دیدگاه حقوقی و اداری تقریباً منتفی است. این در حالی است که در کشورهای هم‌چون انگلستان و ژاپن، رهن‌گذاری سند مالکیت فکری از نظر حقوق اداری پذیرفته شده است و هم‌اکنون جریان دارد.^۲ در ایران که

۱. میرحسینی، سید حسن، **حقوق مالکیت صنعتی (جلد ۳)**، تهران: میزان، ۱۳۹۱، ص ۴۳.

۲. اخگر، بابک و سیمین عباسی، **مدیریت حقوق مالکیت فکری**، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۵۴.

شرکت‌های دانش‌بنیان ممکن است سرمایه‌چندانی نداشته باشند و تنها دارایی آن‌ها همان مالکیت معنوی است، رهن‌گذاری آن از قبال دریافت وام و دیگر تسهیلات ناممکن است. این در حالی است که رویه حقوقی در این خصوص مبهم است و در چنین سکوتی، عرف اداری نیز از پذیرش آن معذور است. البته با توجه به تفسیرهای حقوقی که بیان شد، با اختیارات مدیران سازمان‌ها می‌توان چنین موردی را به رسمیت شناخت.

در وضعیتی که قوانین موضوعه در این خصوص صراحت ندارند، تصمیم مدیران سازمان‌ها به پذیرش یا رد سند مالکیت معنوی از قبال رهن، کاملاً صحیح و حقوقی خواهد بود. دولت می‌تواند برای رسمیت‌بخشی اداری به این موضوع مهم پیش‌گام شود و با صدور بخش‌نامه‌ای، اداره‌ها و بانک‌های دولتی را به پذیرش این وثیقه فراخواند. قوه قضاییه نیز حسب مقررات اجرایی می‌تواند دادگستری را به پذیرش این اسناد وادارد. در صورت رسمیت یافتن این اسناد در نظام اداری دولتی می‌توان به رشد اعتبار آن نزد شرکت‌های خصوصی امید داشت که البته این کار مهم با همکاری‌های دولتی تقویت خواهد شد. در این صورت، ضمن اعتباربخشی بیشتر به اسناد مالکیت معنوی می‌توان از شرکت‌های دانش‌بنیان بهتر حمایت کرد.

نتیجه گیری

جنبه‌های تقنینی سیاست حمایتی از شرکت‌های دانش‌بنیان ضعیف است و اجرای این قوانین با زیرساخت‌های کنونی سازگاری ندارد. در سکوت قانون، ناهماهنگی‌های اداری نیز مشهود است که در مجموع، موجب عقیم ماندن سیاست‌های حمایتی دولت از شرکت‌های دانش‌بنیان شده است. بنابراین، برای حرکت مستقیم این نهادها در مسیر حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان باید انگیزه‌های اساسی و مشروع برای این شرکت‌ها ایجاد شود. چون هماهنگی تمامی بخش‌های اجرایی توسط دولت به عنوان عالی‌ترین نهاد اجرایی صورت می‌پذیرد، باید بین نهادهای مختلف برای اجرای دقیق حمایت‌ها از شرکت‌های دانش‌بنیان هماهنگی ایجاد کرد که تنها با فرمان‌های دولتی امکان‌پذیر است.

بر این اساس، پیشنهادهای این پژوهش به این شرح است:

۱. به قوه مجریه پیشنهاد می‌شود با تعیین متولی تخصصی برای رتبه‌بندی شرکت‌ها، صرف مالکیت در شرکت‌های شتاب‌دهنده را معیار امتیاز پژوهشی قرار نهد و معیار بازدهی کامل طرح را معیار امتیاز قرار دهد.

۲. به مراکز پارک علم و فناوری پیشنهاد می‌شود طرح‌های پیش‌نویس را در بایگانی الکترونیکی ثبت و ذخیره کند تا در صورت هر گونه سوء استفاده از آن، به عنوان ادله اثبات دعوا قرار گیرد.

۳. به مراکز پارک علم و فناوری پیشنهاد می‌شود برای تعیین آینده اقتصادی طرح‌های بدیع، از کارشناسان اقتصادی بهره ببرند.

۴. به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیشنهاد می‌شود با اصلاح سازوکار حمایت‌های شرکت‌های شتاب‌دهنده از طرح‌های بدیع، رابطه این شرکت‌ها را با پارک علم و فناوری به صورت افقی و از نوع همکاری قرار دهد، نه از نوع عمودی و تبعی.

۵. به وزارت امور اقتصادی پیشنهاد می‌شود با صدور بخش‌نامه‌ای، معیار اصالت مانیفیست‌های گمرکی را تعیین کند تا روزه واردات غیر مجاز محصولات مشابه دانش‌بنیان از بین برود.

۶. به وزارت امور اقتصادی پیشنهاد می‌شود با صدور بخش‌نامه‌ای، سازمان امور مالیاتی را ملزم کند با اصلاح معیار دسته‌بندی مشاغل، برای شرکت‌های دانش‌بنیان با هدف بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی، جایگاهی ویژه قرار دهد.

۷. به وزارت دادگستری پیشنهاد می‌شود رسته مالکیت معنوی را بین کارشناسان تربیت کند تا سرقت‌های این حوزه به صورت فنی مشخص شود.

۸. به مسئولان بانک مرکزی پیشنهاد می‌شود با صدور بخش‌نامه‌ای به قابلیت

رهن‌گذاری اسناد مالکیت معنوی رسمیت بخشند. پیشنهاد مشابه به قوه قضاییه و دیگر ارگان‌های دولتی نیز داده می‌شود.

۹. به مرکز مالکیت معنوی قوه قضاییه پیشنهاد می‌شود در سکوت «ق.ح» و داشتن اختیار اداری در خصوص تعیین مدت زمان حمایت، ضمن مشورت با اهل فن، مدت زمانی منطقی برای حمایت از آثار نوآورانه مختلف تعیین کند.

۱۰. به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیشنهاد می‌شود هر ساله برحسب میزان تورم، میزان سرمایه‌گذاری و سهم شرکت‌های شتاب‌دهنده در طرح‌های بدیع را مشخص کند.



فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. اخگر، بابک و سیمین عباسی، **مدیریت حقوق مالکیت فکری**، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۲. پیلوار، رحیم، **فلسفه حق مالکیت**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۳. خدمت‌گزار، محسن، **فلسفه مالکیت فکری**، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۵. طیبی ابوالحسنی، سید امیرحسین و زینب زین‌الدینی، **شرکت‌های دانش‌بنیان**، تهران: نورا، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۶. کشاورز، بهمن، **سرقفلی و حق کسب یا پیشه در تجارت**، تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۷. موسی‌زاده، رضا، **حقوق اداری ۱ و ۲ (کلیات و ایران)**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۸. میرحسینی، سید حسن، **حقوق مالکیت صنعتی (جلد ۳)**، تهران: میزان، ۱۳۹۱.

ب) مقاله

۱. اشراقی، علی‌رضا، سید ایمان میرعمادی و محمد وصال، «**ارزیابی اثر سیاست‌های حمایتی بر گذار شرکت‌های دانش‌بنیان به مرحله رشد**»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره چهاردهم، ۱۴۰۰، صص ۳۷ - ۵۳.
۲. بابایی فارسانی، میثم، صادق حسنی‌مقدم و فرهاد فرهادی، «**تعامل فرهنگ یادگیری سازمانی با ظرفیت جذب، نوآوری باز و رهبری توان‌مندساز در شرکت‌های دانش‌بنیان: تحلیل یک مدل میانجی تعدیل‌شده**»، فصل‌نامه مدیریت دانش سازمانی، دوره چهارم، ۱۴۰۰، صص ۱۹۷ - ۲۲۸.
۳. خیاطیان یزدی، محمدصادق، مهدی الیاسی و سید حبیب‌الله طباطباییان، «**الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران**»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره دوم، ۱۳۹۵، صص ۴۹ - ۶۲.
۴. رحیمی مقدم، سید حسین، علی‌اکبر گرجی‌ازندریانی و مرتضی نجابت‌خواه، «**واکاوی و تحلیل تبعات بوروکراسی در نظام آزادسازی اقتصادی ایران**»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، ۱۴۰۰، صص ۱۳۵ - ۱۶۲.

۵. رحیمی، علی و حسین شبیری، «مبانی فقهی و حقوقی مالکیت فکری یا معنوی»، فصل‌نامه پژوهش‌های فقهی و حقوقی، دوره چهارم، ۱۳۹۷، صص ۲۱۱ - ۲۲۰.
۶. رنجبر، احمد، «سیاست و اداره: تمایز و هم‌پوشی»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، ۱۴۰۰، صص ۱۴۳ - ۱۶۴.
۷. سپهوند، رضا، صابر تقی‌پور و معصومه مؤمنی‌مفرد، «انحصارگرایی تخصصی و انحرافات محیط کاری: تحلیل نقش میانجی پنهان‌سازی دانش با تأکید بر نقش تعدیل‌گر انگیزه کار تیمی»، فرآیند مدیریت و توسعه، دوره دوم، ۱۴۰۰، صص ۱۵۱ - ۱۷۳.
۸. سعیدآبادی، علی‌اصغر، فهیمه آزموده و کیارش فرتاش، «اقدام‌پژوهی رویداد استارت‌آپی (شتاب) خاتون: بررسی نقش‌های دوگانه خانوادگی و اجتماعی زنان»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره سوم، ۱۴۰۰، صص ۱ - ۱۵.
۹. صادقی، حدیثه و مهسا اکبری، «مزایا و معایب پیوستن ایران به کنوانسیون برن»، ارائه شده در همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی، مراغه، ۱۳۹۳.
۱۰. عربی، افسانه، محمودرضا چراغ‌علی، محمدشریف شریف‌زاده و محمدباقر گرجی، «شناسایی و ارزیابی شاخص‌های تجاری‌سازی دانش با رویکرد بین‌الملل در شرکت‌های دانش‌بنیان شهر تهران»، مدیریت کسب و کار، دوره سیزدهم، ۱۴۰۰، صص ۴۳۲ - ۴۴۸.
۱۱. قاضی نوری، سید سروش، جهانیار بامداد صوفی و نیلوفر ردایی، «بررسی رفتار و عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی با رویکرد تکسونومی»، فصل‌نامه مدیریت توسعه فناوری، دوره چهارم، ۱۳۹۵، صص ۹ - ۳۲.
۱۲. معصومی، عاطفه و عمار فیضی، «مدل‌های فرهنگ سازمانی و شرکت‌های دانش‌بنیان»، فصل‌نامه علمی - تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره پنجم، ۱۴۰۰، صص ۶۴ - ۸۵.

ج) قانون و مقررات

۱. آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات، مصوب ۱۳۹۱.
۲. آیین‌نامه تأسیس و راه‌اندازی پارک‌های علم و فناوری، مصوب ۱۳۹۵.
۳. آیین‌نامه ورود کالا توسط ملوانان شناورهای دریایی سنتی با ظرفیت کم‌تر از (۵۰۰) تن (لنج تجاری) و سامان‌دهی و نوسازی آن شناورها، مصوب ۱۳۹۷.
۴. قانون اجرای احکام، مصوب ۱۳۵۶.

۵. قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱ با آخرین اصلاحات.
۶. قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری سازی نوآوری‌ها و اختراعات، مصوب ۱۳۸۹.
۷. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸.
۸. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۹۲.

Latin source2

A) Book

- 1-Alavi, H., Delivery terms in transport process of export trade and their effect on the risk of discrepancy in documentary letters of credit; evidence from Estonia, 2018
- 2-Dunn, J. P., Ledford, S., Jackson, S. H., & Wood, A. G., U.S. Patent Application, No. 15/711,416, 2018
- 3-Guaragna, M. B., Stimulating Innovation in Brazil: A Study of Intellectual Property Law, Biotechnology and Open Scientific Innovation (Doctoral dissertation, Queen Mary University of London), 2017
- 4-Guo, M., Intellectual Property Strategy and Ecosystem Evolution (Doctoral dissertation, University of Cambridge), 2021
- 5-Janke, T., True Tracks: Indigenous cultural and intellectual property principles for put-determination into practice, 2019-ting self

B) Article

- 1-Esmaeeli Ranjbar, Khatereh and Soleimani, Ameneh, "Presenting a Model for the use based Companies", Journal of Information - of Internet of Things in the Iranian Knowledge Technology Management, 2021
- 2-Esmaili Yadaki, M., "A Comparative Analysis of the Exception of Educational Use in 30 - Literacy and Artistic Property Rights", Journal of Civil Law Knowledge, 2017, 6(1), 19
- 3-Shahin, Arash and Malekzadeh, Nasim, Wood, Lincoln C., "Developing a decision making grid for selecting innovation strategies the case of knowledge based companies", 17 - Technology Analysis & Strategic Management, 2021, 1
- 4-Zhang, J., Gu, Z., Jang, J., Wu, H., Stoecklin, M. P., Huang, H., & Molloy, I., "Protecting intellectual property of deep neural networks with watermarking", In Proceedings of the 172 - 2018 on Asia Conference on Computer and Communications Security 2018 , 159

Analysis of administrative challenges of supporting knowledge - based companies and ways to improve it

Mohsen Asgari*

Hossein Habibi Tabar**

Mahmood GhayoomZadeh***

Abstract:

Having the technology of knowledge - based products, depending on the type of industry, can give a lot of power to governments, and therefore it is necessary to support these companies. The legislature has also required the government to support these companies, but due to administrative inconsistencies and the lack of some infrastructure, these protections have not yielded the expected returns. In this descriptive - analytical study, the administrative challenges of supporting knowledge - based companies were investigated. It was concluded that the custodian of the companies' rating is not very specialized and considers only the ownership of the accelerator company as a criterion for the research score, which only leads to the presence and enjoyment of the benefits of knowledge - based companies by parent companies that do not have the expected return. On the other hand, some of the benefits provided to knowledge - based companies have in practice been ineffective by other institutional administrative regulations. The Tax Affairs Organization, by incorrect division of jobs, has deprived the knowledge - based companies of the benefit of tax exemption

*.PhD Student, Private Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

** .Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. (Corresponding Author). yoonatanss@gmail.com

***. Professor, Department of Education and Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran maarefteacher@yahoo.com

benefits, and the Customs of the Islamic Republic of Iran, by enacting regulations to protect sailors, has allowed the import of goods similar to knowledge - based products into the country. In the silence of the law, intellectual property cannot be mortgaged and there is a need to administratively consider such a privilege for the said property, which is a kind of protection for knowledge - based companies.

Keywords: Knowledge - Based Companies, Intellectual Property, Growth Centers, Accelerator, Administrative Challenges.

